

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾

فولادوند: به راستی که مؤمنان رستگار شدند

مکارم: مؤمنان رستگار شدند.

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾

فولادوند: همانان که در نمازشان فروتنند

مکارم: آنها که در نمازشان خشوع دارند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾

فولادوند: و آنان که از بیهوده رویگردانند

مکارم: و آنها که از لغو و بیهودگی رویگردانند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾

فولادوند: و آنان که زکات می‌پردازند

مکارم: و آنها که زکات را انجام می‌دهند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْروَجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾

فولادوند: و کسانی که پاکدامند

مکارم: و آنها که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند.

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾

فولادوند: مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست

مکارم: تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنها ملامت نمی‌شوند.

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾

فولادوند: پس هر که فراتر از این جوید آنان از حد درگذرندگانند

مکارم: و هر کس غیر این طریق را طلب کند تجاوزگر است.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾

فولادوند: و آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می‌کنند

مکارم: و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات می‌کنند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾

فولادوند: و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند

مکارم: و آنها که از نمازها مواظبت می‌نمایند.

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾

فولادوند: آنانند که خود وارثانند

مکارم: (آری) آنها وارثانند.

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾

فولادوند: همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند

مکارم: که بهشت برین را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿١٢﴾

فولادوند: و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم

مکارم: ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم.

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿١٣﴾

فولادوند: سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم

مکارم: سپس آن را نطفه‌ای در فرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم.

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا

آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾

فولادوند: آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوانهایی

ساختیم بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که بهترین

آفرینندگان است

مکارم: سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و مضغه را به صورت

استخوانهایی در آوردیم، از آن پس آن را آفرینش تازه‌ای ایجاد کردیم، بزرگ است خدائی که بهترین خلق کنندگان است!

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾

فولادوند: بعد از این [مراحل] قطعاً خواهید مرد

مکارم: سپس شما بعد از آن می‌میرید.

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾

فولادوند: آنگاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد

مکارم: سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾

فولادوند: و به راستی [ما] بالای سر شما هفت راه [آسمانی] آفریدیم و از [کار] آفرینش غافل نبوده‌ایم

مکارم: ما بر بالای سر شما هفت راه (طبقه) قرار دادیم، و ما از خلق (خود) غافل نبوده و نیستیم.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِنَّ لِقَادِرُونَ ﴿١٨﴾

فولادوند: و از آسمان آبی به اندازه [معین] فرود آوردیم و آن را در زمین جای دادیم و ما برای از بین بردن آن مسلماً تواناییم

مکارم: و از آسمان آبی به اندازه معین نازل کردیم و آن را در زمین (در مخازن مخصوصی) ساکن نمودیم و ما بر از بین بردن آن

کاملاً قادریم.

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾

فولادوند: پس برای شما به وسیله آن باغهایی از درختان خرما و انگور پدیدار کردیم که در آنها برای شما میوه‌های فراوان است و

از آنها می‌خورید

مکارم: سپس به وسیله آن باغهایی از درخت نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم، باغهایی که در آن میوه‌های بسیار است و از آن

تناول می‌کنید.

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِلَّكَلْبِينَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: و از طور سینا درختی برمی‌آید که روغن و نان خورش برای خورندگان است

مکارم: و نیز درختی که از طور سینا می‌روید و از آن روغن و «نان خورش» برای خورندگان فراهم می‌گردد.

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُسْقِيَهُمْ مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾

فولادوند: و البته برای شما در دامها [ی گله درس] عبرتی است از [شیری] که در شکم آنهاست به شما می‌نوشانیم و برای

شما در آنها سودهای فراوان است و از آنها می‌خورید

مکارم: و برای شما در چهارپایان عبرتی است، از آنچه در درون آنها است (از شیر) شما را سیراب می‌کنیم و برای شما در آنها

منافع فراوانی است و از گوشت آنها می‌خورید.

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید

مکارم: و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم پس [به آنان] گفت ای قوم من خدا را بپرستید شما را جز او خدایی نیست

مگر پروا ندارید

مکارم: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، به آنها گفت ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید که غیر از او معبودی برای شما

نیست، آیا (باز از پرستش بتها) پرهیز نمی‌کنید؟

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ
مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ ﴿٢٤﴾

فولادوند: و اشراف قومش که کافر بودند گفتند این [مرد] جز بشری چون شما نیست می‌خواهد بر شما برتری جوید و اگر خدا

می‌خواست قطعا فرشتگانی می‌فرستاد [ما] در میان پدران نخستین خود چنین [چیزی] نشنیده‌ایم

مکارم: جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر شده بودند گفتند: این مرد بشری است همچون شما که می‌خواهد بر شما

برتری جوید، اگر خدا می‌خواست پیامبری بفرستد فرشتگانی نازل می‌کرد، ما چنین چیزی هرگز در نیاکان خود نشنیده‌ایم.

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾

فولادوند: او نیست جز مردی که در وی [حال] جنون است پس تا چندی در باره‌اش دست نگاه دارید

مکارم: او فقط مردی است که مبتلا به نوعی از جنون است، باید مدتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری

رهائی یابد).

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبُونَ ﴿٢٦﴾

فولادوند: [نوح] گفت پروردگارا از آن روی که دروغ‌زنم خواندند مرا یاری کن

مکارم: (نوح) گفت پروردگارا مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن.

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ
أَثْنَيْنِ وَأَهْلِكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

فولادوند: پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و چون فرمان ما در رسید و تنور به فوران آمد پس در آن از هر نوع [حیوانی] دو تا [یکی نر و دیگری ماده] با خانواده‌ات بجز کسی از آنان که حکم [عذاب] بر او پیشی گرفته است وارد کن در باره کسانی که ظلم کرده‌اند با من سخن مگو زیرا آنها غرق خواهند شد

مکارم: ما به نوح وحی کردیم که کشتی را در حضور ما و مطابق فرمان ما بساز و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد و آب از تنور بجوشد (که این نشانه فرا رسیدن طوفان است) از هر يك از انواع حیوانات يك جفت در کشتی سوار کن، و همچنین خانواده‌ات را، مگر آنها که قبلا وعده هلاکشان داده شده است (اشاره به همسر نوح و فرزند ناخلف اوست) و دیگر درباره این ستمگران با من سخن مگو که آنها همگی هلاک خواهند شد!

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٨﴾

فولادوند: و چون تو با آنان که همراه تو بودی بر کشتی نشستی بگو ستایش خدایی را که ما را از [چنگ] گروه ظالمان رها کرد
مکارم: و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید بگو ستایش خدایی را که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید.

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُتَرَلًّا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: و بگو پروردگارا مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیکترین مهمان‌نوازی
مکارم: و بگو پروردگارا ما را در منزلگاهی پر برکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگانی.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾

فولادوند: در حقیقت در این [ماجرا] عبرتهایی است و قطعا ما آزمایش‌کننده بودیم
مکارم: (آری) در این ماجرا آیات و نشانه‌هایی برای صاحبان عقل و اندیشه است و ما مسلما همگان را آزمایش می‌کنیم.

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٣١﴾

فولادوند: سپس بعد از آنان نسل [هایی] دیگر پدید آوردیم
مکارم: سپس بعد از آنها جمعیت دیگری را به وجود آوردیم.

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: و در میانشان پیامبری از خودشان روانه کردیم که خدا را بپرستید جز او برای شما معبودی نیست آیا سر پرهیزگاری ندارید

مکارم: و در میان آنها رسولی از خودشان فرستادیم که پروردگار یکتا را بپرستید، جز او معبودی برای شما نیست آیا (با این همه از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی‌کنید؟!

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: و اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم گفتند این [مرد] جز بشری چون شما نیست از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد

مکارم: ولی اشرافیان خود خواه قوم او که کافر شده بودند و لقای آخرت را تکذیب کرده بودند و ناز و نعمت در زندگی دنیا به آنها داده بودیم گفتند: این بشری است مثل شما! از آنچه شما می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد!

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشْرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ ﴿٣٤﴾

فولادوند: و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زیانکار خواهید بود.
مکارم: و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید مسلماً زیانکارید.

أَيُّدُكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: آیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان شدید [باز] شما [از گور زنده] بیرون آورده می‌شود
مکارم: آیا او به شما وعده می‌دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوان شدید بار دیگر (از قبرها) خارج می‌شوید؟

هِيَآتَ هِيَآتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: وه چه دور است آنچه که وعده داده می‌شود

مکارم: هیهات، هیهات، از این وعده‌هائی که به شما داده می‌شود!

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾

فولادوند: جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد
مکارم: غیر از این زندگی دنیا چیزی در کار نیست، پیوسته گروهی از ما می‌میرند و نسل دیگری جای آنها را می‌گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد.

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾

فولادوند: او جز مردی که بر خدا دروغ می‌بندد نیست و ما به او اعتقاد نداریم
مکارم: او فقط مرد دروغگوئی است که بر خدا افترا بسته و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد.

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبُونَ ﴿٣٩﴾

فولادوند: گفت پروردگارا از آن روی که مرا دروغزن خواندند یاریم کن

مکارم: عرض کرد، پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنها یاری فرما.

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾

فولادوند: فرمود به زودی سخت پشیمان خواهند شد

مکارم: (خداوند) فرمود: به زودی آنها از کار خود پشیمان خواهند شد. (اما زمانی که سودی به حالشان ندارد).

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبَعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

فولادوند: پس فریاد [مرگبار] آنان را به حق فرو گرفت و آنها را [چون] خاشاکی که بر آب افتد گردانیدیم دور باد [از رحمت خدا] گروه

ستمکاران

مکارم: سرانجام صیحه آسمانی آنها را به حق فرو گرفت و ما آنها را همچون خاشاک بر سیلاب قرار دادیم دور باد از رحمت خدا

قوم ستمگر!

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: آنگاه پس از آنان نسلهای دیگری پدید آوردیم

مکارم: سپس اقوام دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: هیچ امتی نه از اجل خود پیشی می‌گیرد و نه باز پس می‌ماند

مکارم: هیچ امتی بر اصل و سر رسید حتمیش پیشی نمی‌گیرد و از آن نیز تاءخیر نمی‌کند.

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلِّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾

فولادوند: باز فرستادگان خود را پیاپی روانه کردیم هر بار برای [هدایت] امتی پیامبرش آمد او را تکذیب کردند پس [ما امتهای

سرکش را] یکی پس از دیگری آوردیم و آنها را مایه عبرت [و زبانزد مردم] گردانیدیم دور باد [از رحمت خدا] مردمی که ایمان

نمی‌آورند

مکارم: سپس رسولان خود را یکی بعد از دیگری فرستادیم، هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می‌آمد او را تکذیب می‌کردند

ولی ما این امتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که تنها نام و

گفتگویی از آنها باقی ماند) دور باد از رحمت خدا قومی که ایمان نمی‌آورند!

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾

فولادوند: سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم

مکارم: سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم.

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: به سوی فرعون و سران [قوم] او ولی تکبر نمودند و مردمی گردنکش بودند

مکارم: به سوی فرعون و اطرافیان اشرافی او، اما آنها استکبار کردند و اصولا مردمی برتری جو بودند.

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿٤٧﴾

فولادوند: پس گفتند آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما می‌باشند ایمان بیاوریم

مکارم: آنها گفتند: آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها (بنی اسرائیل) ما را پرستش می‌کنند (و بردگان ما هستند).

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: در نتیجه آن دو را دروغزن خواندند پس از زمره هلاک‌شدگان گشتند

مکارم: (آری) آنها این دو را تکذیب کردند و سرانجام همگی هلاک شدند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾

فولادوند: و به یقین ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم که آنان به راه راست روند

مکارم: ما به موسی کتاب آسمانی دادیم، شاید آنها (بنی اسرائیل) هدایت شوند.

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿٥٠﴾

فولادوند: و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای گردانیدیم و آن دو را در سرزمین بلندی که جای زیست و [دارای] آب زلال بود جای دادیم

مکارم: ما فرزند مریم (عیسی) و مادرش (مریم) را نشانه خود قرار دادیم و آنها را در سر زمین بلندی که آرامش و امنیت و آب جاری داشت جای دادیم.

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾

فولادوند: ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می‌دهید دانایم

مکارم: ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم.

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾

فولادوند: و در حقیقت این امت‌شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید

مکارم: همه شما امت واحدی هستید و من پروردگار شمایم از مخالفت فرمان من بپرهیزید.

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾

فولادوند: تا کار [دین]شان را میان خود قطعه قطعه کردند [و] دسته دسته شدند هر دسته‌ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند

مکارم: اما آنها کارهای خود را به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند (و عجب اینکه) هر گروه، به آنچه نزد خود دارند خوشحالند!

فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾

فولادوند: پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار

مکارم: آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی که مرگشان فرا رسد. (یا گرفتار عذاب الهی شوند).

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿٥٥﴾

فولادوند: آیا می‌پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می‌دهیم

مکارم: آنها گمان می‌کنند اموال و فرزندی که به آنان داده‌ایم ...

تُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾

فولادوند: [از آن روی است که] می‌خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم [نه] بلکه نمی‌فهمند

مکارم: برای این است که درهای خیرات را به روی آنها بگشائیم؟! (چنین نیست) بلکه آنها نمی‌فهمند!

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾

فولادوند: در حقیقت کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند

مکارم: آنان که از خوف پروردگارشان بیمناکند.

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾

فولادوند: و کسانی که به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند

مکارم: و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند.

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

فولادوند: و آنان که به پروردگارشان شرک نمی‌آورند

مکارم: و آنها که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند.

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾

فولادوند: و کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و می‌دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت

مکارم: و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات بخرج می‌دهند اما با این حال دل‌هایشان ترسناک است از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان باز می‌گردند.

أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾

فولادوند: آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می‌جویند
مکارم: (آری) چنین کسانی هستند که در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند.

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

فولادوند: و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت

مکارم: و ما هیچ کس را جزء به اندازه توانائیش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است (که تمام اعمال بندگان را ثبت کرده) و به حق سخن می‌گوید لذا به آنان هیچ ظلم و ستمی نمی‌شود.

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾

فولادوند: [نه] بلکه دل‌های آنان از این [حقیقت] در غفلت است و آنان غیر از این [گناهان] کردارهایی [دیگر] دارند که به انجام آن مبادرت می‌ورزند

مکارم: بلکه دل‌های آنها از این نامه اعمال (و روز حساب و آیات قرآن) در بیخبری فرو رفته و آنان اعمال (زشتی) جز این دارند که پیوسته آن را انجام می‌دهند.

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَارُونَ ﴿٦٤﴾

فولادوند: تا وقتی خوشگذرانان آنها را به عذاب گرفتار ساختیم بناگاه به زاری درمی‌آیند

مکارم: تا زمانی که منتعمان مغرور آنها در چنگال عذاب گرفتار سازیم در این هنگام ناله‌های دردناک و استغاثه آمیز سر می‌دهند!

لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ ﴿٦٥﴾

فولادوند: امروز زاری نکنید که قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد

مکارم: (اما به آنها گفته می‌شود) فریاد نکنید! امروز شما از ناحیه ما یاری نخواهید شد.

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ ﴿٦٦﴾

فولادوند: در حقیقت آیات من بر شما خوانده می‌شد و شما بودید که همواره به قهقرا می‌رفتید

مکارم: (آیا فراموش کرده‌اید که) در گذشته آیات من بطور مداوم بر شما خوانده می‌شد اما شما اعراض می‌کردید و به عقب باز می‌گشتید؟!

مُسْتَكْبِرِينَ بِهٖ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾

فولادوند: در حالی که از [پذیرفتن] آن تکبر می‌ورزیدید و شب هنگام [در محافل خود] بدگویی می‌کردید
مکارم: در حالی که در برابر آن آیات استکبار می‌نمودید و شبها در جلسات خود به بدگویی ادامه می‌دادید.

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾

فولادوند: آیا در [عظمت] این سخن نیندیشیده‌اند یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است
مکارم: آیا آنها در این گفتار تدبر نکردند؟ یا اینکه مطالبی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟!

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾

فولادوند: یا پیامبر خود را [درست] نشناخته و [لذا] به انکار او پرداخته‌اند

مکارم: یا اینکه پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند) که او را انکار می‌کنند؟!

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾

فولادوند: یا می‌گویند او جنونی دارد [نه] بلکه [او] حق را برای ایشان آورده و [لی] بیشترشان حقیقت را خوش ندارند
مکارم: یا می‌گویند او دیوانه است؟!، ولی او حق را برای آنها آورده اما اکثرشان از حق کراهت دارند.

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧١﴾

فولادوند: و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می‌کرد قطعاً آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباہ می‌شد [نه] بلکه یادنامه‌شان را به آنان داده‌ایم ولی آنها از [پیروی] یادنامه خود رویگرداندند

مکارم: و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند آسمانها و زمین و تمام کسانی که در آنها هستند تباہ می‌شوند، ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه یادآوری (و مایه شرف و حیثیت آنها) است اما آنان از چنین چیزی رویگرداندند.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾

فولادوند: یا از ایشان مزدی مطالبه می‌کنی و مزد پروردگارت بهتر است و اوست که بهترین روزی‌دهندگان است

مکارم: یا اینکه تو از آنها مزد و هزینه‌ای (در برابر دعوت) می‌خواهی؟ در حالی که مزد پروردگارت بهتر است و او بهترین روزی

دهندگان است.

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾

فولادوند: و در حقیقت این تویی که جدا آنها را به راه راست می‌خوانی

مکارم: به طور قطع و یقین تو آنها را به صراط مستقیم دعوت می‌کنی.

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ ﴿٧٤﴾

فولادوند: و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند از راه [درست] سخت منحرفند

مکارم: اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این صراط منحرفند.

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾

فولادوند: و اگر ایشان را ببخشاییم و آنچه از صدمه بر آنان [وارد آمده] است برطرف کنیم در طغیان خود کوردلانه اصرار می‌ورزند

مکارم: و اگر به آنها رحم کنیم و گرفتاریها و مشکلاتشان را برطرف سازیم (نه تنها بیدار نمی‌شوند) بلکه در طغیانشان اصرار

می‌ورزند و (در این وادی) سرگردان می‌مانند.

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكْبَرُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾

فولادوند: و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم و [لی] نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری درنیامدند

مکارم: ما آنها را به عذاب و بلا گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند) اما آنها نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند و نه به درگاهش تضرع

می‌کنند.

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾

فولادوند: تا وقتی که دری از عذاب دردناک بر آنان گشودیم بناگاه ایشان در آن [حال] نومید شدند

مکارم: (این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنها بگشائیم، و چنان گرفتار شوند که به کلی

ماء‌یوس گردند!

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾

فولادوند: و اوست آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد چه اندک سپاسگزارید

مکارم: او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب (عقل) ایجاد کرد، اما کمتر شکر او را به جا می‌آورید

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾

فولادوند: و اوست آن کس که شما را در زمین پدید آورد و به سوی اوست که گرد آورده خواهید شد

مکارم: او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می‌شوید.

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾

فولادوند: و اوست آن کس که زنده می‌کند و می‌میراند و اختلاف شب و روز از اوست مگر نمی‌اندیشید

مکارم: او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند و آمد و شد شب و روز از آن اوست، آیا اندیشه نمی‌کنید؟!

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾

فولادوند: [نه] بلکه آنان [نیز] مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند

مکارم: آنها همان گفتند که پیشینیان می‌گفتند.

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٨٢﴾

فولادوند: گفتند آیا چون بمیریم و خاک و استخوان شویم آیا واقعا باز ما زنده خواهیم شد

مکارم: آنها گفتند آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان (پوسیده) شدیم آیا بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟!

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾

فولادوند: درست همین را قبلا به ما و پدرانمان وعده دادند این جز افسانه‌های پیشینیان [چیزی] نیست

مکارم: این وعده به ما و پدرانمان از قبل داده شده، این فقط افسانه‌های پیشینیان است.

قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾

فولادوند: بگو اگر می‌دانید [بگویید] زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد

مکارم: بگو زمین و کسانی که در زمین هستند از آن کیست، اگر شما می‌دانید؟!

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾

فولادوند: خواهند گفت به خدا بگو آیا عبرت نمی‌گیرید

مکارم: (در پاسخ تو) می‌گویند: همه از آن خدا است، بگو آیا متذکر نمی‌شوید؟!

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾

فولادوند: بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست

مکارم: بگو: چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم است.

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾

فولادوند: خواهند گفت خدا بگو آیا پرهیزگاری نمی‌کنید

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: می گویند: همه اینها از آن خدا است، بگو آیا تقوی پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید)؟!

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾

فولادوند: بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست و اگر می دانید [کیست آنکه] او پناه می دهد و در پناه کسی نمی رود

مکارم: بگو اگر راست می گوئید چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد؟ و به بیناهان پناه می دهد و نیاز به پناه دادن ندارد؟!

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾

فولادوند: خواهند گفت خدا بگو پس چگونه دستخوش افسون شده اید

مکارم: می گویند: (همه اینها) از آن خدا است. بگو با این حال چگونه می گوئید شما را سحر کرده اند؟

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾

فولادوند: [نه] بلکه حقیقت را بر ایشان آوردیم و قطعاً آنان دروغگویند

مکارم: واقع این است که ما حق را برای آنها آوردیم و آنان دروغ می گویند!

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٩١﴾

فولادوند: خدا فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی [دیگر] نیست و اگر جز این بود قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده [بود] باخود می برد و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می جستند منزّه است خدا از آنچه وصف می کنند

مکارم: خدا هرگز فرزندی برای خود برنگزیده، و معبود دیگری با او نیست که اگر چنین می شد هر يك از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می کردند و بعضی بر بعضی دیگر تفوق می جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می شد) منزّه است خدا از توصیفی که آنها می کنند.

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾

فولادوند: دانای نهای و آشکار و برتر است از آنچه [با او] شریک می گردانند

مکارم: او از پنهان و آشکار آگاه است، او برتر است از اینکه شریک برای او قائل شوند.

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيْنِي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾

فولادوند: بگو پروردگارا اگر آنچه را که [از عذاب] به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی

مکارم: بگو پروردگارا! اگر بخشی از عذابهایی را که به آنها وعده داده شده به من نشان دهی ...

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٩٤﴾

فولادوند: پروردگارا پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده

مکارم: پروردگارا! مرا (در این عذابها) با قوم ستمگر قرار مده.

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُثْرِكَ مَا نَعِدُهُمْ لِقَادِرُونَ ﴿٩٥﴾

فولادوند: و به راستی که ما تواناییم که آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم

مکارم: و ما قادریم آنچه را به آنها وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم.

ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾

فولادوند: بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم

مکارم: بدی را از راهی که بهتر است دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده) ما به آنچه آنها توصیف می‌کنند آگاه‌تریم.

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿٩٧﴾

فولادوند: و بگو پروردگارا از وسوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم

مکارم: و بگو پروردگارا من از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم.

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾

فولادوند: و پروردگارا از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم

مکارم: و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند نیز به تو پناه می‌برم ای پروردگارا!

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾

فولادوند: تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید پروردگارا مرا بازگردانید

مکارم: (آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد می‌گوید: پروردگارا من! مرا باز

گردانید!

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُعْثُونَ ﴿١٠٠﴾

فولادوند: شاید من در آنچه وانهادم کار نیکی انجام دهم نه چنین است این سخنی است که او گوینده آن است و پیشاپیش آنان

برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد

مکارم: شاید در آنچه ترك کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم (به او می‌گویند) چنین نیست، این سخنی است که

او به زبان می‌گوید (و اگر باز گردد برنامه‌اش همچون سابق است) و پشت سر آنها برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند.

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾

فولادوند: پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند

مکارم: هنگامی که در صور دمیده شود هیچگونه نسبی میان آنها نخواهد بود، و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست).

فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾

فولادوند: پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد ایشان رستگارانند

مکارم: کسانی که ترازوهای (سنجش اعمال) آنها سنگین است آنان رستگارانند.

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾

فولادوند: و کسانی که کفه میزان [اعمال]شان سبک باشد آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می‌مانند

مکارم: و آنها که ترازوهای عملشان سبک می‌باشد کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده در جهنم جاودانه خواهند ماند.

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾

فولادوند: آتش چهره آنها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش‌رویند

مکارم: شعله‌های سوزان آتش همچون شمشیر به صورت‌هایشان نواخته می‌شود و در دوزخ چهره‌ای در هم کشیده دارند.

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾

فولادوند: آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و [همواره] آن را مورد تکذیب قرار نمی‌دادید

مکارم: آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و آن را تکذیب می‌کردید؟!

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾

فولادوند: می‌گویند پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم

مکارم: می‌گویند: پروردگارا! شقاوت ما بر ما چیره شد و ما قوم گمراهی بودیم.

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾

فولادوند: پروردگارا ما را از اینجا بیرون بر پس اگر باز هم [به بدی] برگزینیم در آن صورت ستمگر خواهیم بود

مکارم: پروردگارا! ما را از آن بیرون بر، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعا ستمگریم (ومستحق عذاب).

قَالَ اخْسَؤُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ ﴿١٠٨﴾

فولادوند: می‌فرماید [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید

مکارم: می‌گوید دور شوید در دوزخ، و با من سخن مگوئید.

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾

فولادوند: در حقیقت دسته‌ای از بندگان من بودند که می‌گفتند پروردگارا ایمان آوردیم بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو

بهترین مهربانی

مکارم: (فراموش کرده‌اید) گروهی از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، ما را ببخش و بر ما رحم کن، و تو بهترین

رحم‌کنندگانی.

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾

فولادوند: و شما آنان [=مؤمنان] را به ریشخند گرفتید تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنان می‌خندیدید

مکارم: اما شما آنها را به باد مسخره گرفتید و آنها شما را از یاد من غافل کردند و شما از آنها می‌خندیدید!

إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿١١١﴾

فولادوند: من [هم] امروز به [یاس] آنکه صبر کردند بدانان پاداش دادم آری ایشانند که رستگارانند

مکارم: ولی من امروز آنان را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم آنها پیروز و رستگارند.

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾

فولادوند: می‌فرماید چه مدت به عدد سالها در زمین ماندید

مکارم: (خداوند) می‌گوید چند سال در روی زمین توقف کرده‌اید.

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾

فولادوند: می‌گویند يك روز یا پاره‌ای از يك روز ماندیم از شما گران [خود] بپرس

مکارم: در پاسخ می‌گویند: تنها به اندازه يك روز یا قسمتی از يك روز! از آنها که می‌توانند بشمارند سؤال فرما.

قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾

فولادوند: می‌فرماید جز اندکی درنگ نکردید کاش شما می‌دانستید

مکارم: می‌گوید (آری) شما مقدار کمی توقف کردید اگر می‌دانستید!

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾

فولادوند: آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید

مکارم: ولی آیا گمان کرده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد!

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾

فولادوند: پس والاست خدا فرمانروای برحق خدایی جز او نیست [اوست] پروردگار عرش گرانمایه

مکارم: پس بزرگتر و برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از اینکه شما را بیهدف آفریده باشد) معبودی جز او نیست و او پروردگار عرش کریم است.

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾

فولادوند: و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند برای آن برهانی نخواهد داشت و حسابش فقط با پروردگارش می‌باشد در حقیقت کافران رستگار نمی‌شوند

مکارم: و هر کس معبود دیگری با خدا بخواند - و مسلما هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت - حساب او نزد پروردگار شما خواهد بود، مسلما کافران رستگار نخواهند شد.

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

فولادوند: و بگو پروردگارا ببخشای و رحمت کن [که] تو بهترین بخشایندگانی

مکارم: و بگو پروردگارا! مرا ببخش و مشمول رحمت قرار ده، و تو بهترین رحم‌کنندگانی.